



فضل الله بدایع نگار، پیش گام در وقف مطبوعات

علی نجف زاده^۱

چکیده

میرزا فضل الله بدایع نگار از رجال فعال آستان قدس در اواخر دوران قاجار است. ابعاد گوناگون زندگی وی آن قدر زیاد و متنوع است که تاکنون تنها به بخش‌های محدودی از آن اشاره و بسیاری از جنبه‌های آن نادیده گرفته شده است. بدایع نگار در زمینه‌ی آموزش و پرورش، تألیف کتاب‌های درسی و غیردرسی، اشعار فارسی و عربی، فعالیت آستان قدس، مدیریت کتابخانه‌ی آستان قدس، انتشار مجله و وقف کتاب و مطبوعات، چهره‌ای شاخص بوده است. تاکنون چهار مقاله در سه دایرةالمعارف مختلف^۱ درباره بدایع نگار نوشته شده و براساس مندرجات این مقالات تلاش می‌شود نقش وی در وقف مطبوعات و مجله *الکمال* پرداخته شود، زیرا وی از پیش گامان ارائه‌ی پیشنهاد وقف و اجرای عملی آن بوده است.

کلیدواژه‌ها بدایع نگار، وقف، مطبوعات، الکمال.

زندگی نامه بدایع نگار

فضل الله آل داوود، فرزند شیخ مولا داوود خراسانی معروف به ملاباشی یا فاضل صدخروی^۲ از فقها و علمای زمان خود بود. وی در سال ۱۲۸۸ق. در مشهد متولد شد و از اوان جوانی وارد تشکیلات آستان قدس و به لقب بدایع نگاری مفتخر گردید.^۳ از

۱. کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر.

پست الکترونیک: najafsast@yahoo.com

سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ق. در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران معلم ادبیات بود و پس از استبداد صغیر به مشهد بازگشت.^۴

مدتی معاون اداره‌ی فرهنگ و اوقاف و فواید عامه‌ی خراسان و در سال ۱۳۰۰ رئیس آن اداره شد.^۵ زندگی آموزشی‌اش را در مشهد ادامه داد و معلم ادبیات در مدرسه خیریه سعادت،^۶ رحیمیه^۷ و مدتی نیز مدیر دبستان رحیمیه و در سال ۱۳۳۴ق.^۸ معاون مدرسه رضوی^۹ بود. بدایع‌نگار تألیفات آموزشی و غیر آموزشی فراوانی نیز داشت.

در سال‌های پایانی عمر با کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی ارتباط داشت. در سال ۱۳۴۲ق. مدتی مدیر کتابخانه‌ی^{۱۰} آستان قدس شد و نظام‌نامه‌ی اداری برای کتابخانه نوشت.^{۱۱} وی پس از سال‌ها تلاش در زمینه‌ی تدریس و تألیف در سن ۵۵ سالگی و در ۲۲ ذی قعدة ۱۳۴۳/ ۲۴ خرداد ۱۳۰۴ درگذشت^{۱۲} و در دارالضیافه آستان قدس به خاک سپرده شد.^{۱۳}

انتشار مجله الکمال

بدایع‌نگار در زمینه‌ی مطبوعات نیز فعالیت کرد. وی روزنامه الکمال را در مشهد منتشر ساخت. اولین شماره‌ی مجله الکمال در اول سنبله^{۱۴} ۱۲۹۹ مطابق ۹ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۳۸ در مشهد منتشر شد.^{۱۵} عنوان صفحه‌ی نخست مجله الکمال به صورت آرم «الکمال فی مشهد مقدس ۱۳۳۸» به خط نسخ چاپ شده و در حاشیه این آرم قیمت مجله برای مشهد ۳۰ قران و برای خارج از مشهد ۳۵ قران قید شده است.^{۱۶} بدایع‌نگار، نخستین شماره‌ی مجله الکمال را در ارتباط با عنوان مجله و به صورت دعایی چنین آغاز کرده است: «اللهم انی اسئلك من کمالک بأکملِهِ و کل کمالک کامل». وی از خدا می‌خواهد وی را در نگارش الکمال یاری دهد و از لغزش قلم و هذیان زبان و حملات ضد کمال نگه دارد.^{۱۷}

بدایع‌نگار در نخستین شماره‌ی مجله الکمال علل تأسیس آن را به طور شفاف و روشن بیان کرده است. وی در تهران از محضر ادبا، علما و دانشمندان بهره برد و سپس مصمم شد مجله‌ای تحت عنوان الکمال به عربی منتشر کند، اما موفق به انجام آن نشد. از سال ۱۳۲۸ که وارد معارف مشهد شد، چون شرایط مهیا گردید خود را از ارکان عربی تهی دید و پس از زمان قوام السلطنه که روزنامه‌های بیش‌تری منتشر شدند، وی

نیز از وزارت معارف اجازه‌ی نشر مجله‌ی ال‌کمال را گرفت.

الکمال، مجله‌ای دینی، سیاسی، اخلاقی و ادبی بود. مباحث اخلاقی و دینی بیش‌تر به قلم مدیر مجله نوشته می‌شد. بدایع نگار توجه خاصی نیز به تاریخ فلسفه داشت و بخشی از مجله را به ترجمه‌ی زندگی فلاسفه‌ی بزرگ یونان نظیر طالس اختصاص داده بود. مقالاتی پیرامون اخلاق در مسیحیت، اسلام، زردشت و قوانین دینی یهود داشت و دستوره‌های نهج‌البلاغه هم در کنار این مباحث دین‌شناسی، جایگاه خود را حفظ کرده بود. از سال دوم فصل‌بندی مجله کمی اصلاح و دقیق‌تر شد. در این مجله مباحث دیانتی، اخلاقی، تاریخی، حقیقی، فلاحی، علمی، بلاغی، ادبی و محاضرات هر یک جایگاه خود را دارند. موضوع ادبی و یا اشعار به صورت قصیده و قطعه در شماره‌های اولیه بیش‌تر به چشم می‌خورد و اشعار زیادی از جلال‌السلطان و مدیر مجله به چاپ رسیده که می‌توان به شعری به نام احمدشاه قاجار اشاره کرد. از شماره پنجم سال دوم، قسمت ادبی کم‌رنگ‌تر شد. در بخش علمی مجله ال‌کمال نیز مقالات جالبی درباره‌ی دور آب در طبیعت، انسان و کاینات به چاپ رسیده که توسط علی‌اکبر خراسانی و ادیب بجنوردی نوشته شده‌اند. شاهزاده محمد هاشم میرزا از دیگر همکاران بدایع‌نگار بود. در بخش حقوقی شرایع عبری، مقارنات و در بخش فلاحی، کتاب‌های مربوط به کشاورزی معرفی شده‌اند. اخبار و وقایع سیاسی نیز در قسمت‌های پایانی مجله، صفحاتی را به خود اختصاص داده که می‌توان به معرفی کابینه در دوره‌های مختلف و تحلیل روابط ایران و افغانستان و اخبار روز به ویژه خبر درگذشت بزرگان و پیشنهادهایی درباره آبادانی خراسان نظیر تأسیس دارالفنون اشاره کرد. مباحث دینی در ال‌کمال پررنگ‌تر بود. بدایع نگار بارها به طور صریح آن را «مجله‌ی دیانتی» و «نامه‌ی دیانتی» خوانده و به همین دلیل، شهوازی مؤلف کتاب نامه‌ها و نام‌ها آن را نخستین مجله و نشریه‌ی دینی مشهد دانسته است.^{۱۸}

الکمال، اخبار چندان زیادی از وضعیت داخلی آستانه ندارد و تنها خبر مهم و تخصصی در شماره هشت، سال اول، پیرامون لغو القاب و امتیازهای منسوبان آستان قدس و تولیت به چاپ رسیده است. این تغییرات بر بدایع‌نگار هم اثر گذاشت که حذف لقب بدایع‌نگار بود. وی گوید، به موجب یک اعلان «تمام شئون و حقوقات از خاک روبان آستان قدس سلب گردید. ما هم لقب بدایع‌نگار را از مجله برداشتیم که دوباره برقرار شد».^{۱۹}

الکمال در شماره‌های پایانی نظم و تقسیم‌بندی اولیه را از دست داده و در مواردی به صورت ویژه‌نامه منتشر شده است که می‌توان به ویژه‌نامه‌ی عاشورا در دو شماره اشاره کرد.^{۲۰}

شکل ظاهری، قطع و نوع چاپ مجله الکمال در ۲۵ شماره، سه بار تغییر کرد. در سال اول ۸ شماره‌ی مجله به صورت چاپ سربی در مطبعه توس و از شماره ۹ در مطبعه خراسان چاپ شد. در اعلانیه پایانی این شماره آمده «خراسان، قسمت بزرگی از نواقص کمال را که راجع به طبع بود، در مطبعه‌ی خود، تکمیل نمود».^{۲۱} در تمام شماره‌های سال دوم و تا شماره ۵ در سال سوم در قطع کوچک‌تر توسط مطبعه‌ی خراسان به چاپ رسید. از شماره‌ی پنجم در سال سوم، تغییرات اساسی در چاپ داده شد و در مطبعه‌ی آستان قدس به چاپ رسید. بدایع نگار علل این تغییر خط و چاپ خانه را در اعلانیه‌ای تحت عنوان «امتحان دیگر» به خاطر تأثیرات روانی بر خوانندگان مجله و مشکلات مالی بیان کرده و نوشته است:

«ما برای این که این مجله‌ی دیانتی در محیط مقدس مشهد رواج یابد و آبروی مجاورین مرقد مطهر امامت به شیوع زندقه و الحاد در پیشگاه امامت ریخته نشود، انواع امتحان‌ها را در طبع و قطع مجله نمودیم و کامیاب نشدیم. در سال اول انتشار، قطع مجله را بزرگ و در مطبعه‌ی طوس به چاپ رساندیم. چون هم قطع مجله، خوش ترکیب نبود و هم طبع آن، لذا به مطبعه‌ی خراسان که اول مطبعه‌ی خراسان است، مراجعه کردیم. باز هم دیدیم حسن استقبال از اهالی نشد که وجه اشتراک را برسانند و ما را مقروض نسازند و مبالغی مثل دو سال قبل در این سال سوم مقروض نشویم. خیال کردیم این بی‌تأثیری مواعظ از اثر قلمی است که چون در مطبعه سربی و آهنی چاپ می‌شود، سختی آن فلزات در دل‌ها اثر کرده و ابداً نرم نمی‌شود. لذا از عصر مفرغی به عصر حجری به قهقهرا آمدیم و با قلم‌نی که سابق دل‌ها را نرم می‌کرد، مجله را نوشتیم و در مقدس‌ترین اماکن که مطبعه‌ی آستان باشد، به چاپ رساندیم تا ببینیم چه نتیجه می‌بریم».

شماره پنجم، سال سوم در آستان قدس، مطبعه مشهدی میرزا آقای تهرانی چاپ شد.^{۲۲} هدف بدایع‌نگار، انتشار مجله‌ای به صورت ماهیانه بود، ولی تا آخرین شماره‌ی موجود، دلو^{۲۳} ۲۵/۱۳۰۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲، که سه و نیم سال می‌شود، تنها ۲۵ شماره منتشر شد.

یکی از مشکلات مجله *الکمال* را باید توقیف آن دانست. الکمال پس از هفت شماره‌ی پیاپی توقیف شد. از علل توقیف چیزی نمی‌دانیم، اما بدایع‌نگار در شماره‌ی هشتم که پس از سه ماه در جوزا ۱۳۰۰ ش. منتشر شد، گوید: «پس از رفع توقیف علل دیگر ضمیمه شد که به کلی مایوس از نوشتن مجله بودیم تا آن که به حمدالله باز موفق شدیم».^{۲۴}

انتشار *الکمال* پس از دو شماره ۸ و ۹ در سال اول، بار دیگر به تعویق افتاد و مشکلات مالی را باید از علل عمده‌ی آن دانست. بدایع‌نگار در پایان شماره‌ی ۹ به انتقاد از خراسانی‌ها پرداخته و نوشته است انتظاری که *الکمال* دارد، همت و کمال‌نوازی خراسانی‌هاست که به طور کامل کامیاب نشده است. وی تأکید کرده، «ما انتظار نداشتیم در هر نمره برای جزئی وجه اشتراک، اعلانیه بنویسیم و متأسفانه، به اجبار نوشتیم و بدبختانه اثر نبخشید. خراسانی‌ها هم این عار را بر خود، روا نمی‌دارند که به واسطه بی‌باکی بعضی، این مؤسسه تعطیل شود. این درد بی‌درمان متوجه *الکمال* گشته که کمال‌نوازی سایر ایالات باید ما را از این چاله‌ی عمیق بیرون آورد. ما مجله را برای خراسانی‌ها به اجبار نفرستادیم که نغمه سر می‌دهند، ما پول نمی‌دهیم و هر کاری می‌خواهید بکنید، ما کاری نمی‌توانیم بکنیم. ما از خدا درخواست می‌کنیم که قومی کمال نواز، برای ما برانگیزد که به ما اعانه بدهد تا برای افراد کمال‌گریز معارف‌ستیز، بفرستیم و به آن‌ها هم توفیق خواندن و عمل کردن بدهد. شاید حسن اخلاق در اعقاب آن‌ها ریشه بدواند که بدبختانه قرون آینده در پیروی اسلافشان با اولیای معارفی خود به ستیز درآیند. اگر کسانی تصمیم بر عدم پرداخت وجه اشتراک دارند، نمره‌ی هر مجله را پس بفرستند که آن‌ها علوم و کمال است، نه سنگ سفال و برای ارسال هر نمره، چهار قران هزینه شده است».^{۲۵} مشکل عدم استقبال و حماییت مالی از وی ادامه یافت و بدایع‌نگار در هر شماره، آن را به گونه‌ای مطرح کرد.

اندیشه وقف مطبوعات

مشکلات مالی روز به روز بیش‌تر می‌شد به طوری که در ویژه‌نامه ۱۱ میزان ۱۳۰۰ ش. آمده است: «برای سال دوم، محتاج به مشترک جدید هستیم و از مسلمانان استدعا داریم به این نامه‌ی دیانت‌علامه، مساعدت فرموده، هر چه زودتر اشتراک خود را بپردازند تا مجله هر ماهه به آدرس آنان ارسال شود. در این فوق‌العاده متذکر شده

برای آن که مثل سال اول گرفتار نهصد تومان خسارت نشویم، استدعا داریم آنان که در سال جدید مجله را اشتراک نمی‌شوند تا اول ربیع‌الاول، عدم اشتراک خود را به اداره‌ی *الکمال* واقع در بالا خیابان سرای ملک، کتابخانه‌ی ناصری به طور کتبی بنویسند». مشکلات اقتصادی انتشار مجله و علاقه بدایع‌نگار در جلب خوانندگان بیش‌تر به ویژه در بین طلاب، باعث شد که او برای نخستین بار پیشنهاد وقف مطبوعات را مطرح کند. وی نخستین شخصی بود که چنین فکری را مطرح کرد. صدر هاشمی این پیشنهاد بدایع‌نگار در زمینه وقف مجله را امری تازه در عالم مطبوعات بیان کرده است.^{۲۶} او در فوق‌العاده مجله برای اولین بار، پیشنهاد وقف را با چنین بیانی مطرح کرده است:

«نظر به احتیاجی که عالم اسلامی خاصه محیط مشهد مقدس به این‌گونه مطبوعات دارد، آنان که سواد خواندن *الکمال* را ندارند، ممکن است شرکت در ثواب نموده، این مجله را مشترک شوند و بر اهالی استحقاق به اختیار خود وقف نمایند».^{۲۷}

بدایع‌نگار در سال سوم انتشار *الکمال* برای تشویق کمک‌کنندگان، فهرست اعانه‌دهندگان دو‌ساله را منتشر کرد.^{۲۸} وی هم‌چنین درخواست پرداخت قرض‌های گذشته، پرداخت وجه اشتراک، استرداد مجله در صورت عدم پرداخت اشتراک و تشویق با اهدای یک دوره از مجله به کسانی که پنج مشترک جدید پیدا کنند، را مطرح ساخت.^{۲۹}

تلاش بدایع‌نگار برای جلب خواننده و کمک مالی آن قدر زیاد بود که شاعر طنز پردازی در این باره شعر زیر را سروده:

البدایع‌نگار را دیدم	پشت المیز الاداره خویش
الچپوقی نهاده اندر کف	الکمالی نهاده اندر پیش
پی‌المشتری همی‌گردد	همچو‌الگرگ در پی‌المیش ^{۳۰}

بدایع‌نگار در پایان مجله، ضمن درخواست کمک برای تشویق آنان آورده است: «آقایان، به من کمک کنید که این مجله مرتب منتشر شود، خدا هم به شما کمک کند. آقایان، شما با دادن سه تومان در مشهد، فقیر نمی‌شوید، ولی من فقیر شدم، اما نه از شما، بلکه فقیر امام رضا».

بدایع‌نگار در پایان اعلامیه، دومین گام را در زمینه وقف مطبوعات برداشته و خطاب به طلاب علوم دینی گفته است:

«ما در سال گذشته، تعدادی از مجله را بر مدارس علمیه وقف نمودیم که آقایان

طلاب از نگارش *الکمال* استفاده کنند. پس از استحضار فهمیدیم که عموم طلاب دسترسی به این مجله نداشتند. لذا چند نمره برای مطالعه‌ی آقایان طلاب مدارس حوزه مشهد مقدس اختصاص داده و در مدرسه‌ی مرحوم حاجی میرزا جعفر طاب ثراه، حجره جناب شریعتمدار آقای مجدالعلی، تمرکز دادیم که طالبین به معظم له مراجعه نموده، مجلات را گرفته و پس از مطالعه، دوباره آن را به همان حجره پس دهند که عموم بهره‌مند شوند».^{۳۱}

در تاریخ مطبوعات ایران برای نخستین بار این مجله به صورت وقف درآمد. در جلد شماره‌ی سوم، سال دوم، شرحی به عنوان اعلان چاپ شده مبنی بر این که ده نمره از شماره‌ی سوم مجله را العبد ضیاءالاسلام بر طالبین وقف نموده و برای استفاده در چهار محل (مدرسه میرزا جعفر، مدرسه فاضلیه، مدرسه ابدال خان و مدرسه نواب) قرار داده است که مردم آن‌ها را برای یک شب گرفته و پس از استفاده مسترد کنند.^{۳۲}

در این زمان، انتقاد از *الکمال* بیش‌تر شده بود. مخالفان و معترضان آن را مشابه روضه و موعظه خواندند. نکته‌ی جالب، اقدام بدایع‌نگار در چاپ این‌گونه اعتراض‌ها در مجله بود. یکی از معترضان پرسیده بود، چرا مجله را دینانی قرار داده‌اید؟ معترضان دیگری گفته بودند، اگر کسی خواسته باشد روضه بشنود، محتاج به مجله نیست؛ روضه‌خوان، خوش‌آهنگ‌تر ذکر مصیبت می‌کند. اگر کسی خواسته باشد مسایل دینی را بشنود، و عاظم مسجد گوهرشاد، بهتر موعظه می‌کنند. بدایع‌نگار اعتراض‌ها را چنین پاسخ داده که: «الکمال، اولین مجله‌ی اسلامی قرن بیستم به شمار می‌رود. اگر شما آقایان از روی عقیده انتقاد می‌کنید، پس وای بر شما و جهالتی که شما را فرا گرفته و اگر از تلقینات دشمنان دین می‌خواهید این مجله‌ی مقدسه را موهون بسازید، وای بر محیطی که نفوذ شما حکم فرما شود. وای بر مدیر محترم این مجله که در قبال میلیون‌ها مسلمان، فریاد هل من معاندت بنصرالاسلام بلند نموده و به جای مساعدت از شماها معاندت می‌بیند».^{۳۳} هرچند صدر هاشمی‌گرایش به مسایل دینی را برای تحریک احساسات دینی مردم و جلب آنان به مجله تحلیل کرده است،^{۳۴} باید خاطر نشان ساخت، مجله‌ی *الکمال* از همان ابتدا با رسالتی دینی شروع به کار کرد.

بدایع‌نگار در سال ۱۳۰۱ درخواست مساعدت برای چاپ مجله را مطرح کرد که اسنادی از آن در مرکز اسناد ملی موجود است.^{۳۵} بدایع‌نگار در آستانه‌ی سال سوم انتشار مجله، طی نامه‌ای به وزرات معارف، ضمن ضرورت انتشار مجله، نوشته است دیگر

توانایی ندارد سال سوم مجله را منتشر کند، لذا تقاضا کرده به نام اسلامیت و احترام ناحیه‌ی قدس امامت برای مجله *الکمال* که زیر نظر حجج الاسلام ارض اقدس نگاشته می‌شود، ماهی پنجاه تومان اعانه از طرف معارف خراسان حواله شود تا دست کم نصف مخارج مجله را تأمین سازد. در حاشیه‌ی این نامه برای این مجله در بودجه، اعانه در نظر گرفته شد.^{۳۶} براین اساس شماره‌های موجود، شماره ۶ سال سوم در بهمن ۱۳۰۲ ش. منتشر شد. ولی باز هم مشکلات مالی دامن گیر *الکمال* بود و مانع از انتشار منظم آن می‌شد. در عین حال که بدایع‌نگار با سمت مدیر کتابخانه‌ی آستان قدس گرفتاری بیش‌تری یافت، اما از جمع‌آوری اعانه برای انتشار *الکمال* باز نماند. وی ده ماه پس از آخرین شماره‌ی منتشر شده، طی نامه‌ای به خزاعی، امیر لشکر شرق از وی درخواست کمک مالی کرد. بخشی از این نامه به تاریخ ۷ آذر ۱۳۰۳ به شرح ذیل است:

«... از حضور مبارک حضرت مستطاب آقای امیر لشکر شرق که امروز پناه اسلامیان مشهد هستند و در غلامی امام رضا - علیه‌السلام - امتحانات عملی در صحت چاکری داده‌اند، برای نشر مجله درخواست اعانه و اشتراک بفرمایند. شاید این مجله‌ی دینی که فقط دفاع از حومه‌ی اسلامیت می‌نماید، پس از یک سال تعطیلی به نام نامی آقای امیرلشکر دوباره دایر گردد. غلام دربار امامت، بدایع‌نگار».^{۳۷}

الکمال با توجه به مشکلات مالی و اعتراض برخی معترضان با انتشار شماره‌ی ششم سال سوم در تاریخ ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۲/۱۳۴۲ دلو ۱۳۰۳ به پایان رسید. شماره‌های موجود از *الکمال* در کتابخانه‌ی آستان قدس نیز نتیجه‌ی اقدام عملی بدایع‌نگار در زمینه‌ی وقف مطبوعات است. وی سومین گام را به طور عملی برداشت و سری کامل *الکمال* توسط ناشر در سال ۱۳۴۲ ق. وقف کتابخانه‌ی آستان قدس شد. شماره‌های دیگری از این مجله نیز در دی ماه ۱۳۱۳ ش. توسط مهر منیر وقف شد که دو سری از شماره ۱ و یک سری از شماره‌های ۹، ۸، ۵ سال اول و یک سری از شماره‌های ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ سال سوم را دربر می‌گیرد. شایان ذکر است که در کتاب فهرست مجلات موجود در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی تنها به یک سری کامل اشاره شده است.^{۳۸}

نتیجه

بدایع‌نگار با سابقه‌ی خانوادگی، پشتوانه‌ی علمی و خصوصیات فردی‌اش

پیشرفت‌های قابل توجهی داشت. وی وارد تشکیلات آستان قدس شد و ادبیات فارسی و عربی را نیز در مدارس تهران و مشهد تدریس کرد. کتاب‌های متعددی برای آموزش و پرورش تألیف کرد که آمیخته به شعر بود. اشعار متعدد فارسی و عربی و تألیفات متعددی وی را از جمله شعرای بنام خراسان کرده است.

انتشار مجله *الکمال*، عرصه‌ی جدیدی برای بیان افکار و عقاید بدایع‌نگار بود، اما مشکلات مالی باعث شد به سختی مدتی کوتاه این روند را ادامه دهد. یکی از راهکارهای بدایع‌نگار در رفع مشکل مالی، پیشنهاد وقف مجله به ویژه برای طلاب بود که در تاریخ مطبوعات ایران تازگی داشت و وی را به عنوان پیش‌گام وقف مطبوعات شناساند. وی خود نیز به این پیشنهاد عمل کرد و شماره‌هایی از *الکمال* را وقف کرد. پس از پذیرفتن مسئولیت کتابخانه‌ی آستان قدس و تدوین نظام‌نامه، کتاب‌هایی را نیز وقف کرد. بدایع‌نگار با این اقدامات نظری و عملی در زمره‌ی پیش‌گامان وقف مطبوعات و از جمله واقفان بزرگ آستان قدس است.

پنوتت‌ها

- ۱- جعفر شجاع کیهانی، «بدایع‌نگار» *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۸۱؛ حسن انوشه، «بدایع‌نگار» *دایرةالمعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران، ۱۳۸۰؛ سیاره مهین‌فر، «بدایع‌نگار»، *دانش‌نامه‌ی جهان اسلام*، زیر نظر غلام علی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵؛ رجب‌علی یحیایی، «بدایع‌نگار» *مشاهیر مدفون در حرم رضوی*، زیر نظر غلام رضا جلالی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷، ج سوم.
- ۲- صدخرو از روستاهای نزدیک سبزوار است.
- ۳- حسین خان افضل‌الملک، *سفرنامه خراسان و کرمان*، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، توس، بی‌تا، ص ۹۲.
- ۴- ستار شهوازی بختیاری، *نامه‌ها و نام‌ها*، روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاری خراسان در دوران قاجاریه، مشهد، ایوار، ۱۳۸۲، ص ۴۲.
- ۵- روزنامه بهار، سال پنجم، ش ۱۳، ۱۲ عقرب ۱۳۰۰، ص ۲.
- ۶- یوسف متولی حقیقی، *تاریخچه‌ی آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی*، مشهد، مرندیز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸.
- ۷- همان، ص ۲۳۴.

- ۸- علی اکبر گلشن آزادی، صد سال شعر فارسی، به کوشش احمد کمال پور، مشهد، آستان قدس رضوی، مرکز آفرینش ها، ۱۳۷۳، ص ۳۵.
- ۹- مکتب خانه‌ی ایتم سادات در سال ۱۳۲۷ق. به صلاح دید میر شفیع خان صدرالممالک، متولی آستان قدس به شکل مدرسه ای با چهار کلاس به باغ آصف الدوله (چهار باغ) منتقل شد و به نام صدریه و سپس رضویه تغییر نام داد. در سال ۱۳۳۰ق. مکتب خانه یا همان مدرسه دوباره به صحن عتیق نقل مکان کرد و به همان نام مدرسه رضویه نامیده شد. در سال ۱۳۳۷ق. بار دیگر با همین نام به باغ آصف الدوله منتقل شد. فاطمه جهانپور، تاریخچه مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم آستان قدس با تکیه بر اسناد صفویه تا قاجاریه، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷، ص ۷۰.
- ۱۰- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ش ۱۳/۱۳۱۸۸/۶۳۱۸۸.
- ۱۱- همان، سند ش ۱۸/۱۳۱۸۸/۶۳۱۸۸.
- ۱۲- شهوازی بختیاری، ص ۴۲؛ غلام رضا ریاضی، دانشوران خراسان، مشهد، کتاب فروشی باستان، ۱۳۳۶، ص ۲۳۴.
- ۱۳- گلشن آزادی، ص ۳۵.
- ۱۴- مطابق با شهریور.
- ۱۵- مجله الکمال، شماره اول، سال اول، سنبله ۱۲۹۹.
- ۱۶- الکمال، شماره اول، سال اول، ۱۲۹۹، ص ۱.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- شهوازی بختیاری، ص ۴۱.
- ۱۹- الکمال، ش ۸، سال اول، ۱۳۰۰، ص ۳۲.
- ۲۰- همان، ش ۷، سال دوم، ۱۳۰۱ و ش ۴، سال سوم، ۱۳۰۲.
- ۲۱- همان، ش ۹، سال اول، ۱۳۰۰.
- ۲۲- همان، ش ۵، سال سوم ربیع‌الثانی، ۱۳۴۲، ص ۴۰.
- ۲۳- مطابق با اسفند.
- ۲۴- همان، ش ۸، سال اول، ۱۳۰۰.
- ۲۵- همان، ش ۹، سال اول، ۱۳۰۰، ص ۳۳.
- ۲۶- صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران، کمال، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۷۰.
- ۲۷- فوق‌العاده الکمال، ۱۱میزان ۱۳۰۰، چاپ در آستان قدس کارخانه مشهدی میرزا آقا طهرانی.
- ۲۸- ۱- مقام محترم روحانی ۱۰۰ قران، ۲- ناظم تعمیرات در اوّل تأسیس ۱۰۰۰ قران، ۳- نجدالسلطنه در دو سال ۴۰۰ قران، ۴- حاجی میرزا یحیی ناظر در دو سال ۲۰۰ قران، ۵- متولی‌باشی در دو سال ۱۰۰ قران، ۶- شاهزاده شجاع السلطان سال اول ۲۰۰ قران،

- ۷- حاجی رئیس دفتر ۶۰ قران.
- ۲۹- الکمال، ش اول، سال سوم، ۱۳۰۲.
- ۳۰- احمد احمدی بیرجندی، «فضل الله بدایع نگار و مطلع الشمس»، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶، ص ۲۹۶.
- ۳۱- الکمال، ش ۴، سال سوم، ۱۳۰۲.
- ۳۲- شهوازی بختیاری، ص ۴۰.
- ۳۳- همان، ش ۴، سال سوم، ۱۳۰۲، ص ۱.
- ۳۴- صدر هاشمی، ج ۱، ص ۲۶۸.
- ۳۵- سازمان اسناد ملی، سند ش ۲۵۳۰۱۵۲:م.لیفورکیه ش ۲۹۷۰۳۶۳۷۹۱
- ۳۶- شهوازی بختیاری، ص ۴۱.
- ۳۷- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، سند ش ۶۳۴۸۰/۲.
- ۳۸- فهرست مجلات موجود در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، مشهد، کتابخانه‌ی آستان قدس، ۱۳۶۱، ص ۲۳۶.

۳۳۱

مجله المکتب

الکمال

مؤسس و مدیر فضل‌الله آل داود بدایع نگارستان قدس

تاریخ اول سنبله ۱۳۹۹ / مطابق ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۳۸

در هوماه يك نموه منتشر ميشود
قیمت اشتراك سالانه (۳۰) قران

و چه اشتراك قبلما دریافت میشود
محل اداره - (اداره آگاهی است)

تمام مقالات و مرسلات باید بعنوان مدیر ارسال شود

عنوان تکراری () شهید - الحکمال

مطبعه طوس

سال اول

مجله المکتب

الکمال

مؤسس و مدیر فضل‌الله آل داود بدایع نگارستان قدس

تاریخ اول سنبله ۱۳۹۹ / تاریخ ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۳۸

قیمت اشتراك سالانه ۳۰ قران

اللهم انی استلک من کمالت باکمله وکل کمالت کامل
بارخدايا هرچند چه کمال تو کامل است ولی از اتمل کمالات تو در خواست دارم
مرا حکمه تاوان بنده تو هستم در نگارش (الحکمال) یاری وافر فرست قلم و خدایان
زبان و حملات شدت کمال نگهداری فرمائی که در موب ترین موقعیه گرفتاری شجوات
نصابه مرغ موقوف کمالات روحانیه را از شاخسارهای گلستان وطن برانده است گنجینه‌وار
صحت شامین را آرزو سکرمه داوطلب آن شده است که بمساعدت تمیلین و نویسندگان
زبردست و کمال نوازان قدسی آن ترخان پریده را پایشان های قدسی خود رام نماید .
بارخدايا بهمان قوه و نام که خلقت در کائنات و کمالیت در مصر و مسیحیت در شام
و جیبت در مکه حکام غلبه خلال و نظائر جناب دعوت توحید را بلند و در دلپسای
باکان نفوذ دادند، این بنده هم‌باز مهبط وحی بانتظاران قوه دروغی که محیط کمالدرا
عاط می بیند در پیروی آن دعوت کمالات اجتماعی بشر را از آن ملاح پاک ارائه و گوشزد
میشاید ای خدا برکات آن بختی که جذب عواطف نبوده بر ارشاد ملک نویسیم که بر
احلال بر ابقاظ بشر تکلم که بر اغفال
بار خدايا پیش از آنچه دشمنان تو اضمرا بشمارند اعتراف و فوق آنچه دوستان
تعالای برای من فائل شواد خجل و شرمنده است لکن این نامه درخشان و از محیطی در
آفاق برآئند، بسازد که مدینه علم و مدن حکمت و ارسان آمال و شهید مقدس است
پس با بروی این درگاه امید آبروی مرا در نگارش کمال تک دار که بخلاص این درپایم
انحطار و بدایع نگاری این آستانم اشتها است بدایع الیدلیج و یا الحرب الی من جمل الورد
اجلی فی درعک الحصیة التي تجمل فیها من تریب .